

## عیبجوئی

شَرَّ النَّاسِ مَنْ كَانَ مُتَّبِعًا لِعُيُوبِ النَّاسِ  
عَمِيًّا عَنْ مَعَايِبِهِ .

: بدترین مردم کسی است که عیوب دیگران  
را دنبال کند و نا بینای عیوب خویش باشد .  
«علی علیه السلام»

بی خبری از خویشتن

گروه عیبجویان

بررسی تعالیم مذهبی

یکی از نواقص بزرگ و جبران ناپذیر اخلاقی انسان ، بی خبری از عیوب خویشتن است ، غالب گمراهیها و تباهیها ناشی از جهل و نا آگاهی است ، چه با صفات و ملکات ناپسندی که در اثر غفلت در خانه دل مسکن میگزینند و اساس بدبختی آدمی را پی ریزی میکنند : هنگامی که انسان بنده جهل خویشتن می شود روح فضیلت در وجودش میمیرد ، اسیر شهوات و امیال گوناگون گردیده ، و از حریم سعادت جاویدان محروم و بی بهره میماند ، در این صورت هر گونه تلاش و راهنمایی اخلاقی منتهی بشکست خواهد گردید .

نخستین شرط اصلاح نفس درک عیوب نفسانی میباشد ، زیرا پس از اطلاع و آگاهی میتوان زنجیرهای رذائل و ناپاکیها را گسست و از خطرات عیوب نامطلوبی که به بدبختی و شقاوت میانجامد نجات یافت ؛ بررسی خصائص نفسانی برای پرورش روح حائز کمال اهمیت است و جز از این راه انسان بکمال رشد معنوی و اخلاقی نخواهد رسید ، همین مطالعه نفس بوی امکان میدهد که نواقص و همچنین نقاط برجسته روحی خویش را دریابد ، و از میان انبوه صفات گوناگون

عفریتها را از مخفی گاه روح خود بیرون کشیده ، و بایک تصفیه اساسی و دامنه دار آئینه باطن را از لوث ناپاکیها منزّه گرداند .

اگر بملت بی‌اعتنائی و سهل انگاری قیافه واقعی خویش را در آئینه اعمال خود تماشا نکنیم مرتکب خطای بزرگ و نابخشودنی شده‌ایم ، قبل از هر چیز موظفیم بوضع روحیات خود رسیدگی کرده ، و چهره خصائص اطنی خویش را آشکارا ببینیم ، تا معایبی که در حال بیخبری در وجودمان ریشه دوانده و نشوونما کرده است ، بازشناسیم ، و این ماهستیم که میتوانیم با تکاپو و تلاش بی‌گیر ریشه رذائل را از نهاد خود قطع ، و زتظاهرات شوم آنها در محیط زندگی جلوگیری کنیم ، و با آنها را وسیعتر و دامنه دارتر سازیم .

شکی نیست که تهذیب و اصلاح نفس امر سهل و ساده‌ای نیست ، و باسانی انجام نمی‌پذیرد ؛ بلکه مستلزم تحمل زحمات طولانی و استقامت و پایداری فراوان است ، برای ریشه کن‌ساختن عادات خطرناک و زیبا بخش و همچنین بنیان گذاری صفات مطلوب و نوین باید بدنیال شناسائی عیوب ، یک اراده نیرومند و تزلزل ناپذیر رهبری انسان را به عهده بگیرد . هر قدر رفتار خود را کنترل کرده و تحت نظم در آوریم ، قوای عقلانی ما نیز منظم و مستقیم میگردد ، و هر گامی در این راه اثر سودبخش و قاطع دارد که پس از پایان کار روشن و آشکار میگردد .

یک انسان مثبت باروشن بینی خاصی مجموعه تلاشها و نیروهای خود را در معرض شایسته‌ای هدایت میکند . شخص هر قدر محترم باشد برای سایرین نیز احترام قائل است ، و از اموری که به جریحه دار شدن احساسات دیگران می‌انجامد ؛ جدأ می‌پرهیزد . چه ، بهترین معرف انسان رفتار روزانه‌ای است که در طی معاشرت‌ها از وی ظاهر میشود . از بزرگی پرسیدند : «مشکل ترین چیزها چیست و آسانترین کارها کدام است ؟ گفت : مشکلترین چیزها این است که شخص خود را بشناسد و آسانترین کارها این است که از دیگران عیبجوئی کند» ! .

\* \* \*

### گروه عیبجویان !!

در نهاد گروهی از افراد تمایل شومی وجود دارد که پیوسته آنها را به تجسس «لغزشها» و تحقیقات پیرامون «اسرار» مردم و امیدارد ؛ و به انتقاد و بدگویی از آنها که با سرزنش و استهزاء آمیخته است تحریص و ترغیب میکند ، با اینکه خود دارای عیوب فراوانی هستند و نقائص در وجودشان بر فضائل چیرگی دارد ، معذاهمه آنها را نادیده گرفته و از تهذیب خویش چشم‌پوشند و تنها بتعمیب نواقص مردم میپردازند . عیبجوئی یکی از صفاتی است که زندگی را آلوده

کرده و شخصیت اخلاقی را تنزل میدهد .

عواملی که انسان را بعیبجوئی برمی انگیزد ، یکنوع «احساس حقارت» و «پستی طینت» است ، که در اثر غرور و خودخواهی تحریک و تقویت میشود ، و موجب اشتباهات فراوان می - گردد ، تغییراتی که از این راه در اخلاق و روحیه انسان بوجود میآید ، وی را در قضاوتها و داوریهای غلط و ناجوانمردانه جسور و بیباک میسازد .

عیبجویان نیروی دقت و ملاحظه خود را در راهی بمصرف میسازند ، که بهیچوجه پسندیده عقل و خرد نیست ، زیرا همت و مساعی خود را بر این میگذارند که دوستان و آشنایان خویش را تحت نظر بگیرند ، و مراقب اعمال و رفتارشان باشند تا نقطه ضعفی از آنها بدست آورده شروع به انتقاد و بدگوئی کنند ، و بوسیله همین برنامه تخریبی تا آنجا میکه موقعیت اجازه دهد از قدر و قیمتشان بکاهند ، در اثر اصرار و کنجکاوای خاصی که در این راه از خود نشان میدهند قهرآ فرصت کافی برای بررسی اعمال و رفتار خویش پیدا نمیکنند ، و بدین سبب از رفتن براه پاک و وارستگی باز خواهند ماند ، اصولاً اینگونه افراد که فاقد شهامت کافی هستند ، بطوری بی بندوبار از کار در میآیند که خود را ملزم بحفظ شئون هیچکس نمیدانند حتی با آنها ئیکه رابطه بسیار نزدیک دارند نمیتوانند همواره در صفا و یکرنگی بسر ببرند ، همانطوریکه در حضور یک دوست بذکر معایب دیگران میپردازند ، هنگامیکه میدان کاملاً برای تاخت و تاز مناسب است ، از نواقص و اشتباهات دوست خویش نکوهش و انتقاد خواهند کرد ؛ لذا کسیکه شیوه اش عیبجوئی است نمی - تواند برای خود دوستان واقعی تهیه کند و در پناه محبت و عنایت آنها قرار گرفته و از سرچشمه عواطف و احساساتشان سیراب شود .

حیثیت و شرافت با نیروی خود انسان ایجاد میشود ، کسیکه بشئون و حیثیت دیگران تجاوز کرده مسلماً حیثیت خودش نیز لکه دار خواهد شد .

عیبجو ممکن است توجهی بنتیجه عمل خود نداشته باشد ، اما خواه و ناخواه از واکنش انتقاد و بدگوئیش مصون نخواهد ماند ، چه سردیها و بی مهریها و حتی دشمنیها که از این راه پدید آمده و ثمری جز پشیمانی و ندامت نداشته است ، زیرا چنانکه گفته اند : «سخن همچون کبوتری نیست که وقتی از آشیان پرید دوباره باز آید» .

کسیکه میخواهد در دنیای معاشرت قدم بگذارد ، باید بوظائف خویش آشنا باشد ، پیوسته بطرف نیکیها و خوبیهای اشخاص متوجه بوده و از محاسن و اعمال درخشان آنها تمجید و قدردانی کند یکی از دانشمندان غربی میگوید : «بانقائص دیگران مغز خویش را خسته نکنید با هر کس که ملاقات میکنید فقط جنبه های خوب و قوی او را ببینید ، عادات و اخلاق خوب دیگران

را با احترام استقبال کنید و تا حد امکان از آن عادات تقلید ننمایید در این صورت است که عیوب و نقائص شما مانند بر گهای خزانی بزمین خواهد ریخت .

انسان در زندگی اجتماعی بایست عادات و صفاتی را که بحیثیت دیگران لطمه میزند و با اصول دوستی متباین است ، تغییر دهد ، چه صمیمیت در زمینه احترام متبادل بدست خواهد آمد آنکس که به پرده افکندن بر عیوب دوستان عادت کرده ، درصمیمیت مفیدتر و استوارتر است اگر نقطه ضعفی در یکی از دوستان مشاهده کرد بجای اینکه در غیاب بعیبجویش بپردازد ، در فرصت های مناسب توجه او را بجنبه نامطلوب عملش جلب ، و لزوم تغییر آن را بوی گوشزد می کند.

### بررسی تعالیم مذهبی

قرآن مجید سرنوشت شوم عیبجویان را اعلام و آنها را از عاقبت سوء و بدفرجامی کردار.

شان بیم میدهد : **و لیل لکل همزة لئمة** و ای بر هر عیبجوی هرزه زبان (۱) اسلام برای حفظ وحدت جامعه ؛ مراعات اصول ادب را در زندگی لازم شمرده و عیبجویی را که سبب تفرقه و بهم خوردن روابط دوستانه است ممنوع ساخته است مسلمین بایست حافظ شئون یکدیگر بوده و از تحقیر و اهانت نسبت بهم جداً خودداری نمایند امام صادق (ع) فرمود : **ان المؤمن لیسکن**

**الی المؤمن کما یسکن الظمان الی الماء البارد** افراد باایمان برای یکدیگر مایه آرامش روح میباشند چنانکه چشمه آب خوش گوار انسان تشنه را آرامش میبخشد (۲) امام باقر (ع) میفرماید : **دکفی بالمرء عیباً ان یبصر من الناس ما یرعی عنه من نفسه او یرعی**

**الناس بما لا یستطیع ترکها** او یؤذی خلیله بما لا یرعیه - یعنی کافی است برای اثبات عیب اخلاقی يك انسان که نقص دیگران را ببیند و همان نقص را در خویشان مشاهده نکند یا اینکه مردم را بترك کاری سرزنش نماید که خود قادر بترك آن نیست یا دوست خویشان را با دخالت در اموری که مربوط باو نیست آزار رساند . (۳)

علی (ع) عیبجویان را قابل معاشرت و آمیزش نمیداند : **ایاک و معاشره مبتغی**

عیوب الناس فانهم لم یسلم مصاحبهم منهم - پرهیز از آمیزش با کسانیکه در جستجوی عیوب دیگرانند چه هم نشین آنها ، از عیبجویی آنان در امان نخواهد ماند . (۴)

(۱) همزه آیه ۱

(۲) کافی ج ۲ ص ۲۴۷ (۳) کافی ج ۲ ص ۴۵۹ (۴) غرر الحکم ص ۱۴۸